نگاه جنسیتی به استفاده از دوچرخه نداریم

شهردار تهران گفت: آمارها حاکی از این است در تهران مشکلاتی همچون چاقی، فشار خون، دیابت و افزایش ذرات معلق آلوده در هوا رو به افزایش است، بنابراین نگاه ما به حمل‌ونقل با دوچرخه به جهت حفظ سلامت است و نگاه جنسیتی در این باره مطرح نیست. به گزارش ایسنا، پیروز حناچی اظهار کرد: ۷۰ درصد بودجه شهرداری تهران به حمل‌ونقل عمومی اختصاص دارد و سیاست توسعه خطوط ریلی، ناوگان حمل‌ونقل عمومی و مسیرهای دوچرخه سواری در جهت کاهش آلودگی هوا در شهردار تهران دنبال می‌شود.حناچی با اشاره به مذاکره با شرکت هلندی در راستای افزایش مسیر ویژه دوچرخه‌سواری در تهران گفت: این شرکت به ما این موضوع را متذکر شده است که از روش آن‌ها تقلید نکنیم بلکه طرح‌هایی برنامه‌ریزی شود که با شرایط فرهنگی کشور انطباق داشته باشد. شهردار تهران اظهار کرد: میزان حمل‌ونقل با دوچرخه زیر یک‌درصد است و ما در تهران برای فرهنگ دوچرخه‌سواری یک اپلیکیشن را طراحی کرده‌ایم که فرایند دسترسی و تحویل دوچرخه را برای مردم بسیار راحت و آسان کرده است و افراد در هر مکان می‌توانند دوچرخه را تحویل داده و نحوه پرداخت نیز آسان‌تر شده است. حناچی بیان کرد: برای حل مشکل استفاده زنان از دوچرخه طرح‌هایی همچون دوچرخه‌سواری خانوادگی، اسکوتر برقی و افزایش سرویس‌دهی به‌پارک‌های مخصوص بانوان طراحی شده است که امیدواریم حساسیت‌های مربوطه را کاهش دهد.

اجبار بیمه سلامت برای تمام افراد فاقد پوشش بیمه

طاهر موهبتی مدیرعامل سازمان بیمه سلامت در گفت‌وگو با ایرنا گفت: با توجه به تصویب آیین‌نامه اجرایی بیمه پایه اجباری سلامت و ارزیابی وسع، پوشش بیمه سلامت برای تمام افراد فاقد پوشش بیمه‌ای، اجباری بوده و برخورداری از یارانه دولت جهت حق سرانه بیمه از طریق ارزیابی وسع انجام می‌شود که این حق بیمه شامل سرپرست خانوار و افراد تحت تکلف آنها است.

گزارشی به بهانه بالا گرفتن دعوای موافقان و مخالفان حیوان خانگی

لاکچریزم نوین با پُز حیوان خانگی

حیوانات این روزها به دستاویزی برای بیشتر دیده شدن افراد تبدیل شده‌اند تا اینکه مثل خیلی از جوامع توسعه‌یافته به عنوان نوعی همراه یا همدم روزهای تنهایی افراد باشند. در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر کسانی که حیوانات خانگی مثل سگ یا گربه را نگهداری می‌کنند افراد مسنی هستند که حیوان یک محافظ و همیار خود انتخاب می‌کنند. خانواده‌ها نیز اگر شرایط نگهداری حیوان خانگی مثل سگ یا گربه را داشته باشند، بیشتر برای انس فرزندانشان با حیوانات و درک بیشتر فرزندان از محیط پیرامون از این حیوانات استفاده می‌کنند. اما در کشور ما، از آن جایی که هر چیزی که وارد می‌شود در ابتدا ایرانیزه می‌شود و شکل و فرم واقعی خود را از دست می‌دهد، حیوان خانگی نیز وقتی به کشور ما رسید، کارایی خود را از دست داد و افراد دوستدار این حیوانات به نوعی از طرف دیگر بام افتادند! این لاکچریزمی است که درباره آن صحبت می‌کنم و مسلما آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت.»

آفتاب یزد -گروه اجتماعی: چند وقتی است که تب حیوان‌دوستی به راه افتاده و انتقادهای زیادی نیز در پی آن صورت گرفته اما همچنان شاهدیم که حیوانات خانگی برای خیلی‌ها جای همه چیز را پر کرده‌اند. برای برخی از زوج‌های جوان حیوانات خانگی نقش خاصی را بازی می‌کنند، برای افراد مجرد نقش همدم(!) همین هم سبب شده که در طرف دیگر ماجرا انتقادهای تند و تیزی نسبت به افراد دارای حیوانات خانگی که خود را حیوان‌دوست معرفی می‌کنند صورت بگیرد. نمونه این انتقادها را می‌توان در رابطه با پست اینستاگرامی بزرگمهر حسینی یاهانیه توسلی دید. فارغ از اینکه این دو سلبریتی تا چه اندازه احساسات نسبت به حیوان خانگی خود نشان دادند و آیا این موضوع طبیعی است یا خیر، کامنت‌هایی که زیر پست این افراد نوشته شده بود نشان از این داشت که همزمان با تب حیوان‌دوستی، تب دیگری هم در جامعه در جریان است و می‌توان آن را تب مقابله با اینگونه حیوان دوستی‌ها معرفی کرد. این تب تا جایی ادامه دارد که رسانه ملی برنامه‌ای را به این موضوع اختصاص داده و در قالب طنز اما به شدت هجو و سخیف تب حیوان‌دوستی برخی سلبریتی‌ها را به سخره می‌گیرد! سوالی که در این بین مطرح می‌شود این است که آیا هر دوی این تب‌ها در جامعه امروز ما منطقی است؟ دو قطبی شدن در حوزه حیوان‌دوستی افراطی تا چه اندازه می‌تواند به جامعه آسیب وارد کند؟

■ دردسرهای حیوانات خانگی

نگهداری حیوانات خانگی موضوع تازه‌ای نیست و قرن‌هاست که انسان با حیوان در ارتباط تنگاتنگ قرار دارند. بسیاری از خانه‌های روستایی همچنان بخشی از خانه را به مکانی برای نگهداری حیوانات اهلی اختصاص می‌دهند و حیواناتی مثل مرغ و خروس آزادانه در حیاط‌های بزرگ چرخ می‌زنند. اما ورای این موضوع که به زیست طبیعی روستاها بازمی گردد، حیواناتی وارد زندگی شهری شده‌اند که هیچ تناسبی با آن ندارند. امروز صنعت حیوانات خانگی در جهان تبدیل به یک صنعت پولساز و پردرآمد شده است. این صنعت با تبلیغات گسترده انسان‌ها را ترغیب به نگهداری حیوانات می‌کند. بالای ۹۰ درصد حیوانات خانگی در شهرها را سگ‌ها و گربه‌ها تشکیل می‌دهند. در تمام دنیا در بسیاری از فیلم‌ها، کارتون‌ها و سریال‌های تلویزیونی سگ یا گربه به عنوان یکی از نقش‌ها حاضر می‌شوند و عادی‌سازی نگهداری این حیوانات به وسیله تبلیغات سمعی و بصری، افراد را مجاب به خرید آن‌ها می‌کند. اما چند وقتی است که مرگ حیوانات خانگی برخی هنرمندان و برگزاری مراسم برای آنها بازخورد گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده و مخالفان و موافقان حیوانات خانگی را در تقابل با یکدیگر قرار داده است. موافقان حیوانات آن را امری شخصی و مبتنی بر دفاع از حقوق حیوانات می‌دانند و مخالفان اساسا نگهداری از حیوانات خانگی و برگزاری چنین مراسماتی را برای حیوانات به سخره گرفته و منع می‌کنند. اما موضوع حائز اهمیت این است که با یک نگاه کلی می‌توان پی برد هر دوی این گروه در حال افراط و تفریط هستند و این موضوع می‌تواند آسیب جدیدی را به جامعه تحمیل کند.

■ اختلال جدیدی به نام لاکچریزم نوین

امیر محمود حریرچی، جامعه‌شناس و آسیب‌شناس اجتماعی در گفت‌وگو با آفتاب یزد در این باره می‌گوید: «به نظر می‌رسد سلبریتی‌هایی که از احساسات زیادشان در رابطه با حیوانات خانگی صحبت می‌کنند یا اینکه برای مرگ حیوان خانگی‌شان به سوگ می‌نشینند و مراسم مرگ حیوان را می‌گیرند به نوعی دچار لاکچریزم نوین شده‌اند. این موضوع ژست جدیدی است که در جامعه امروز ما به‌وجود آمده و این موضوع آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت. تا جایی که می‌بینیم برخی از افرادی که می‌خواهند روی ریل این مد جدید حرکت کنند حیوانات غیرخانگی مثل گرگ یا حتی سمندر در خانه نگهداری می‌کنند و بعد مدتی که توانایی نگهداری آن‌ها را ندارند این حیوانات را در اماکنی مثل پارک‌های جنگلی رها می‌کنند. به همین دلیل هم در پارک‌های جنگلی از این دست حیوانات رها شده بسیار است.

این یک نوع ژست جدید است که خیلی‌ها آن را به روشنفکری نسبت می‌دهند اما واقعیت ماجرا چنین نیست. حیوانات این روزها به دستاویزی برای بیشتر دیده شدن افراد تبدیل شده‌اند تا اینکه مثل خیلی از جوامع توسعه‌یافته به عنوان نوعی همراه یا همدم روزهای تنهایی افراد باشند. در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر کسانی که حیوانات خانگی مثل سگ یا گربه نگهداری می‌کنند افراد مسنی هستند که حیوان خانگی را به عنوان یک محافظ و همیار خود انتخاب می‌کنند. خانواده‌ها نیز اگر شرایط نگهداری حیوان خانگی مثل سگ یا گربه را داشته باشند، بیشتر برای انس فرزندانشان با حیوانات و درک بیشتر فرزندان از محیط پیرامون از این حیوانات استفاده می‌کنند. اما در کشور ما، از آن جایی که هر چیزی که وارد می‌شود در ابتدا ایرانیزه می‌شود و شکل و فرم واقعی خود را از دست می‌دهد، حیوان خانگی نیز وقتی به کشور ما رسید، کارایی خود را از دست داد و افراد دوستدار این حیوانات به نوعی از طرف دیگر بام افتادند! این لاکچریزمی است که درباره آن صحبت می‌کنم و مسلما آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت.»

خیلی جالب است به جای اینکه صدا و سیما از دونفر متخصص دعوت کند که این نوع لاکچریزم را ریشه‌یابی کنند و آسیب‌های آن را توضیح دهند، دو تا مجری می‌آورند که به تمسخر افراد بنشینند، با این کار نه تنها مشکلی حل نمی‌شود بلکه جبهه‌گیری‌ها برای افراد دوستدار حیوانات و تمسخرکنندگان آن‌ها افزایش می‌یابد!

■ حیوان‌دوستان واقعی

او در ادامه تصریح کرد: «به همین میزان حیوان‌آزاری نیز در کشور ما افزایش یافته است، خشم فروخفته جامعه در خیلی از مواقع بر پیکر حیوانان خالی می‌شود و بارها فیلم‌های مختلفی از حیوان‌آزاری‌های متفاوت در کشورمان دیده‌ایم که آخرین آن‌ها هم مربوط به تزریق اسید به قلب سگ‌های خیابانی است. در پی آن هم با واکنش‌هایی از سوی حیوان دوستان روبه‌رو بودیم، به نظر من حیوان‌دوستان واقعی همان کسانی هستند که نسبت به چنین حیوان‌آزاری‌هایی واکنش نشان می‌دهند و وقتی هم که از آن‌ها برای ساماندهی حیوانات خیابانی کمک می‌خواهیم تمام وقت و انرژی خود را در این راه می‌گذارند، حیوانات را عقیم می‌کنند و با پیگیری‌های پزشکی آن‌ها را دوباره به چرخه طبیعت برمی گردانند یا اینکه ساماندهی می‌کنند. یک بخش از بازتولید خشونت در جامعه به همین موضوع حیوان‌آزاری بازمی گردد. حالا این حیوان‌دوستان واقعی را در کنار اشخاص و سلبریتی‌هایی که مراسم مرگ برای حیوانشان می‌گیرند بگذارید آن وقت پی خواهید برد که معنی دقیق و درست کلمه حیوان‌دوستی چیست و چطور تعبیر می‌شود، داشتن حیوان خانگی بیشتر از اینکه یک نوع تب حیوان‌دوستی باشد یک پز محسوب می‌شود که خیلی‌ها در کنار این حیوانات می‌خواهند خودشان را روشنفکر و امروزی جلوه بدهند! در حالی که اصلا چنین نیست. همین امر هم سبب شده که مافیا و بازارهای زیرزمینی پرسودی هم برای افراد سودجو در رابطه با حیوانات خانگی پدید بیاید. البته جای خوشبختی است که در جامعه ما هنوز در رابطه با حیوانات حساسیت‌هایی وجود دارد و حیوان‌دوستان واقعی هنوز هم هستند.»

خیلی جالب است به جای اینکه صدا و سیما از دونفر متخصص دعوت کند که این نوع لاکچریزم را ریشه‌یابی کنند و آسیب‌های آن را توضیح دهند، دو تا مجری می‌آورند که به تمسخر افراد بنشینند، با این کار نه تنها مشکلی حل نمی‌شود بلکه جبهه‌گیری‌ها برای افراد دوستدار حیوانات و تمسخرکنندگان آن‌ها افزایش می‌یابد!

■ رسانه‌ای که تمسخر را ترویج می‌کند

او تاکید کرد: «دسته دیگری هم در جامعه وجود دارند که تب حیوان‌دوستان را به سخره می‌گیرند، اینکه حیوانات ایجاد عشق و علاقه می‌کنند موضوعی است که تا زمانی که یک حیوان خانگی نداشته باشید نمی‌توانید ابعاد آن را حس کنید. در برخی از مواقع نبود یا مرگ حیوان خانگی چنان ضربه روحی به افراد وارد می‌کند که غیر قابل جبران است، به همین دلیل هم همیشه تاکید می‌شود که انسان‌های تنها برای پر کردن تنهایی‌شان از حیوانات خانگی استفاده نکنند. با این وجود در کشور ما این موضوع هم به شکل و شمایل افراطی ادامه پیدا کرده است و حتی تمسخر کردن آن‌ها نیز شکلی افراطی به خود گرفته است. برای مثال در ماجرای یکی از همین سلبریتی‌ها یک برنامه تلویزیونی به تمسخر کردن این نوع حیوان‌دوستی اختصاص پیدا کرد! خیلی جالب است به جای اینکه صدا و سیما از دونفر متخصص دعوت کند که این نوع لاکچریزم را ریشه‌یابی کنند و آسیب‌های آن را توضیح دهند، دو تا مجری می‌آورند که به تمسخر افراد بنشینند، با این کار نه تنها مشکلی حل نمی‌شود بلکه جبهه‌گیری‌ها برای افراد دوستدار حیوانات و تمسخرکنندگان آن‌ها افزایش می‌یابد! به نظر من بخشی از ریشه‌یابی این گونه رفتارها به حسادت‌ها بازمی‌گردد، در واقع این افراد که چنین برنامه‌هایی را ایجاد می‌کنند می‌خواهند با کوچک کردن بقیه خودشان را بزرگ جلوه دهند در حالی که جای چنین تسویه‌حساب‌ها در رسانه ملی نیست! صدا و سیمای ما دچار بیماری است چرا که به سخره گرفتن این مسئله اصلا چیزی نیست که بخواهیم یک برنامه تلویزیونی را به آن اختصاص بدهیم! این در حالی است که از کلمات و الفاظ رکیکی هم در برنامه استفاده شده بود. این یک نوع فرافکنی عمومی است که در رسانه ملی ما خیلی زیاد شده و با این کار مردم را به جان یکدیگر می‌اندازد. به جای اینکه جو ملتهب را آرام کنند و در عین حال به ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی موضوعات بپردازند دست به ساخت برنامه‌هایی می‌زنند که این جو را ملتهب‌تر کنند! صدا و سیما تاثیرگذارترین رسانه محسوب می‌شود و این رسانه به جای اینکه به مردم یاد بدهد به جای خندیدن به یکدیگر با هم بخندیم آن‌ها را به تمسخر یکدیگر دعوت می‌کند! این یک آسیب است که باید هر چه زودتر به آن رسیدگی شود.»

به نظر می‌رسد حیوان‌دوستی و نگهداری از حیوانات خانگی هم مثل خیلی از موارد دیگر بدون ایجاد فرهنگ مربوط به آن، وارد کشورمان شده و به همین دلیل هم این روزها با آسیب‌هایی از این دست روبه‌رو هستیم. آیا زمان آن نرسیده که فرهنگ‌سازی درستی در رابطه با این موضوع صورت بگیرد؟

نقل قول

آمار ترک تحصیل در ایران

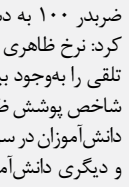

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه کسانی در متوسطه دوم نمی‌توانند به هر دلیلی تحصیل خود را ادامه دهند، به خیل تارکین تحصیل می‌پیوندند و همین افراد نرخ پوشش تحصیلی ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند، گفت: در مقطع متوسطه اول ۳.۹ درصد دختران و ۴.۵۵ درصد پسران ترک تحصیل می‌کنند. علیرضا کمرئی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به تلاش برای کاهش نرخ بازماندگی از تحصیل اظهار کرد: پوشش تحصیلی امری جدی در هدف‌گذاری استان‌ها است. وی افزود: نرخ پوشش تحصیلی ظاهری دختران در دوره اول متوسطه ۹۷.۷۷ درصد و در پسران ۱۰۱.۶۸ درصد است. علت اینکه این نرخ در پسران بالای ۱۰۰ است به عللی چون تکرار پایه و وقفه‌های تحصیلی ایجاد شده برمی‌گردد. معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش درباره تفاوت نرخ پوشش تحصیلی ظاهری و واقعی گفت: نرخ پوشش ظاهری از تقسیم تعداد دانش‌آموزان هر دوره تحصیلی بر تعداد جمعیت دانش‌آموزانی که در سن متعارف ورود به آن پایه هستند و ضربدر ۱۰۰ به دست می‌آید. کمرئی تاکید کرد: نرخ ظاهری نباید در افکار عمومی این تلقی را به‌وجود بیاورد که واقعیت ندارد. ما دو شاخص پوشش ظاهری و واقعی داریم که یکی دانش‌آموزان در سن متعارف را محاسبه می‌کند و دیگری دانش‌آموزانی که احتمالا بازمانده از تحصیل هستند یا تکرار پایه داشته باشند.

ستون سبز

خزان پایتخت در تابستان

برگ درختان در تابستان زرد شد. پایتخت چند ماه زودتر به پیشواز خزان رفت. مدیران شهری علت این اتفاق را افزایش ناگهانی درجه حرارت و تغییرات اقلیمی می‌دانند اما هنوز اقدام مناسبی برای جلوگیری از این کار صورت نگرفته است. به اعتقاد برخی کارشناسان، زرد شدن زودهنگام برگ درختان یک تغییر اقلیمی است و همچنین آلاینده‌های موجود در هوا از طریق برگ درخت جذب و فعالیت تنفسی گیاهان را مختل می‌کند. برخی معتقدند که خزان زودرس درختان به نوعی مرگ خاموش درختان پایتخت است و از مسئولان شهری می‌خواهند در این زمینه اقدامات جدی انجام دهند. محمدهادی حیدرزاده مشاور معاون خدمات شهری شهرداری تهران در این باره به فارس، گفت: معمولاً چند سالی است که در مرداد و شهریور به دلیل تغییرات اقلیمی برگ درختان زودتر زرد می‌شود. وی با تأکید بر این موضوع که این مشکل بیماری درخت و گیاه نیست، گفت: در آخر مردادماه عموماً خزان داریم و نزدیک به ۶ و ۷ سال است که این امر رخ می‌دهد. البته گفته شده که در دوره‌های قبل هم این اتفاق افتاده است. رضا صدیقی کارشناس محیط زیست نیز گفت: اینکه درختان دچار خزان زودرس می‌شوند بیماری نیست، اگر آفت بود باید به بقیه درختان هم منتقل می‌شد. وی به موضوع آبیاری درختان در تهران اشاره کرد و گفت: آبیاری ادامه‌دار است و کمبود آب و قطعی نداشته‌ایم به همین دلیل این امر باعث بروز تنش نشده است. وی با تأکید بر این موضوع که اوج درجه حرارت را در مردادماه داریم، گفت: برای اینکه در سطوح برگ‌ها تبخیر و تعرق صورت گیرد و برای اینکه این تبخیر و تعرق به حداقل برسد سطح سبز برگ کاهش می‌یابد و این یک دفاع غریزی است که سطح تبخیر را کمتر می‌کند.

خبر

تولید مانتوی بدون دکمه ممنوع شد

رئیس اتحادیه خیاطان زنانه و مردانه اظهار داشت: ما در لباس‌های مردانه هیچگونه محدودیتی نداریم، اما مطابق دستور اماکن تولید هر مدل مانتویی که دکمه نداشته باشد ممنوع است و ما نیز با این امر برخورد می‌کنیم. حبیب طهماسبی‌نیک در گفت‌وگو با ایلنا در خصوص آخرین وضعیت فروشندگان و فعالان این حوزه گفت: با افزایش نرخ ارز دیگر واردات پوشاک توجیهی ندارند و بنابراین فروش و فعالیت ما نسبت به سال گذشته افزایش چشمگیری داشته و مردم نیز از کالاهای ایرانی استقبال می‌کنند. به طور کلی ما مردمی داریم که اگر کالای باکیفیت ایرانی تولید شود از آن استقبال می‌کنند ما هم در همین راستا تلاش کردیم که کیفیت کار خود را ارتقا دهیم هر چند مشکلاتی در تامین مواد اولیه و عدم به‌روز بودن دستگاه‌ها وجود دارد. وی ادامه داد: البته باید به این امر اعتراف کرد که هنوز طراحان ما هم‌ردیف طراحان ترکیه نیستند و در این حوزه عقب هستیم، اما اگر مشکلات مواد اولیه و تولید حل شود و بازار به همین منوال بماند به طور حتم به زودی از طراحان ترکیه نیز جلو خواهیم زد.

گزارش

چسب، مخدری ارزان و دردسترس!

تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در چند سال اخیر از سنتی به صنعتی باعث شده تا اسم‌های جدیدی از جمله اعتیاد به چسب را بشنویم. نکته اینجاست که تغییر الگوی مصرف بیشتر در میان افرادی است که یا توان مالی بالایی دارند یا به قصد تجربه‌های جدید دست به چنین تغییری در مصرف مخدرها و محرک‌ها می‌زنند. اما آن‌ها که مشکل مالی دارند نیز از قافله تغییر در مصرف مواد مخدر عقب نمانده‌اند؛ اگرچه این تغییر ممکن است بسیار خطرناک‌تر از رفتن از یک مخدر به یک محرک یا روان‌گردان باشد. به گزارش برنا، چسب عموما ارزان است و متاع معتادان فقیر و حاشیه‌نشین کلانشهرهاست. این معتادان از راه بینی گاز متصاعد شده از چسب را استشمام می‌کنند. چند سالی است در برخی از مناطق کشور افراد معتاد از چسب‌های همه‌کاره به عنوان ماده مخدری استفاده می‌کنند که درصدی از نشئگی مخدرهای سنتی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. ماده‌ای شیمیایی که حتی بوی آن برای بسیاری افراد چندان قابل‌تحمل نیست برای عده‌ای دیگر دود حاصل از سوختنش حس‌وحال خوبی ایجاد می‌کند! این نوع چسب‌ها در اندازه‌های مختلف و با قیمت‌های متفاوت در برخی از مغازه‌ها یافت می‌شود که قیمت پایین آن‌ها یکی از عمده دلایل استفاده معتادانی است که پول کافی برای خرید مواد مخدر ندارند. اما کشیدن چسب با توجه به سمی بودن مواد آن بسیار خطرناک و کشنده است. فردی که بوی چسب را از راه بینی استشمام می‌کند ممکن است حرکات ناهماهنگ داشته باشد و در صحبت کردن کند باشد یا در عالم تخیل و اوهام چیزهایی ببیند و بشنود یا چشمانش تار شود. به علاوه کم شدن اشتها، عصبانیت و حالت سرماخوردگی از جمله نشانه‌هایی است که در فرد معتاد به چسب دیده می‌شود.به علاوه چسب، تینر، رنگ، فیکساتور، بنزین پاک‌کننده، سوخت فندک، بنزین اتومبیل، واکس، مایع کفش، مواد تمیزکننده لوازم فلزی و استون‌هایی که برای پاک کردن لاک ناخن به کار می‌رود دارای بخار قابل احتراقی می‌باشد که می‌توان آنها را چه از راه بینی و چه از راه دهان استشمام کرد و پس از مصرف احساسی به انسان دست می‌دهد شبیه به حالتی که پس از مصرف ماده مخدر قوی دست می‌دهد.

■ چسب، کار معتادان را هم راه می‌اندازد!

علیرضا نوروزی مدیر مرکز مطالعات اعتیاد در ابتدا با بیان اینکه اعتیاد به چسب خوشبختانه در کشور شایع نیست و در میان تعداد اندکی از کارتن‌خواب‌ها یا مناطق حاشیه‌نشین شهرها استشمام می‌شود اظهار کرد: مواد استنشاقی موادی هستند که گازهای فرار تولید می‌کنند و در این میان برخی از افراد به قصد خارج کردن خودشان از حالت طبیعی از این مواد استفاده نابجا می‌کنند. وی ادامه داد: این پدیده کمتر مطالعه و کمتر شناخته شده است اما به دلیل ارزانی و در دسترس بودن ممکن است برخی از افراد تمایل به استفاده از آن را داشته باشند. مدیر مرکز مطالعات اعتیاد انتشار خبر وجود این ماده در میان افراد را خطرساز دانست و افزود: به این دلیل که این اعتیاد هنوز گسترده نشده است، خطر این وجود دارد که با توضیح بیشتر این مخدر شناسایی شده و افراد به سمت مصرف آن تشویق شوند.

■ چسب کشنده است!

نوروزی سمی بودن این ترکیب شیمیایی و استنشاق دود آن را بسیار مضر دانست و تصریح کرد: در این چسب‌ها سیانور وجود دارد که در اثر مداومت استنشاق دود آن موجب مرگ افراد می‌شود. وی ادامه داد: باید توجه داشت که مصرف مکرر این مواد حتی در میزان اندک اعتیادآور است و مانند تمامی مخدرها آسیب‌های بسیاری را به سلامت اشخاص وارد می‌کند. نوروزی در پایان خاطرنشان کرد: جهت خلاصی از این همه عوارض و آثار مخرب، افراد سوءمصرف‌کننده باید به کنار گذاشتن این مواد و سم‌زدایی از بدن یا به اصطلاح ترک این مواد بپردازند. نکته امیدوارکننده این است که عوارض ترک ناشی از این نوع مواد در مقابله با سایر مواد، اندک است. این امر ناشی از گذرا بودن سوءمصرف و مدت زمان نسبتاً طولانی برای بروز وابستگی است ولی کنترل علایم حیاتی (تنفس، ضربان قلب، نبض و علایم مغزی) در جریان دوره ترک حائز اهمیت است.

مهاجرت سالانه ۶۵۰ پزشک عمومی و متخصص!

آفتاب یزد -گروه اجتماعی: «نسبت به سایر کشورها، در ایران کمبود پزشک داریم، اما از نظر محاسبات آینده، برآورد واقعی وزارت بهداشت از وضعیت تراز پزشکان نشان می‌دهد، از نظر پول و سطح درآمد مورد انتظار پزشکان متخصص، در سال ۱۴۰۴ به ۵۲ هزار و ۱۱۳ پزشک متخصص نیاز داریم.» این‌ها سخنان ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت در برنامه تلویزیونی تیتر امشب است که چند روز پیش از رسانه ملی پخش شد و در آن به کمبود پزشک در کشور تاکید شده بود. موضوع کمبود پزشک در کشور چند وقتی است که به معضلی مبدل شده است. پیش از این هم حریرچی بارها و بارها به کمبود پزشک در کشور اشاره کرده بود و چندی پیش گفته بود: «شاخص تعداد پزشک عمومی، متخصص و دندانپزشک در کشور ۱.۶ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر است» با این حال برخی از پزشکان همچنان از وضعیت درآمدی خود شاکی هستند و خیلی‌ها نیز به دلیل همین موضوع میل به مهاجرت دارند. روز گذشته مسعود قاسمی، رئیس انجمن آتروسکلروز ایران، با عنوان این مطلب که پزشک کم داریم، گفت: این کمبود فقط با افزایش پذیرش دانشجوی پزشکی قابل جبران نیست.

وی به آمار جامعه پزشکی اشاره کرد و گفت: در چهار دهه قبل ۱۴ هزار پزشک در کشور داشتیم که اغلب آنها از خارج جذب می‌شدند. یعنی به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت ۹.۳ پزشک داشتیم که الان این عدد حدود ۶ برابر شده است که بهبود نشان می‌دهد. تعداد بیمارستان‌ها یکی از معیارهای توانایی درمان در دنیا محسوب می‌شود، در ایران، ۳۷ هزار پزشک متخصص فعال هستند که استاندارد معمول آن حداقل ۶۴ هزار پزشک متخصص است. کمبود پزشک داریم، بار درمان بیماران بر دوش پزشکان می‌افتد و همین مسئله می‌تواند با مشکلاتی در ارائه خدمت همراه شود. رفع کمبود پزشک فقط با افزایش پذیرش دانشجوی پزشکی قابل جبران نیست، بلکه در توزیع مناسب پزشک دچار مشکل هستیم. ضمن اینکه برخی از پزشکان در حرفه‌ای غیر از طبابت مشغول فعالیت هستند که علت آن نیز، نامناسب بودن شرایط کار در حرفه پزشکی است. باید توزیع امکانات و تجهیزات پزشکی با توجه به نیاز پزشکان صورت بگیرد، متاسفانه در حال حاضر شاهد مهاجرت پزشکان به خارج از کشور هستیم، به طوری که در سال ۳۵۰ پزشک عمومی و ۳۰۰ پزشک متخصص، مهاجرت می‌کنند.

قاسمی: رفع کمبود پزشک فقط با افزایش پذیرش دانشجوی پزشکی قابل جبران نیست، بلکه در توزیع مناسب پزشک دچار مشکل هستیم. ضمن اینکه برخی از پزشکان در حرفه‌ای غیر از طبابت مشغول فعالیت هستند که علت آن نیز، نامناسب بودن شرایط کار در حرفه پزشکی است. یعنی باید توزیع امکانات و تجهیزات پزشکی با توجه به نیاز پزشکان صورت بگیرد، متاسفانه در حال حاضر شاهد مهاجرت پزشکان به خارج از کشور هستیم، به طوری که در سال ۳۵۰ پزشک عمومی و ۳۰۰ پزشک متخصص، مهاجرت می‌کنند

وی در ادامه وضعیت درآمد پرستاران و تکنسین‌های گروه پزشکی را مورد اشاره قرار داد و افزود: شرمنده ام که بخواهم از درآمد این نیروهای کادر درمانی، آماری بدهم. درآمد پزشک عمومی به طور متوسط در سال ۳۲ میلیون تومان است که ماهانه ۲.۶ میلیون تومان می‌شود. وی با اشاره به کمبود ۱۰۰هزار نیروی پرستاری در کشور، افزود: استاندارد نیروی پرستاری به ازای ۵ تخت بیمارستانی، حداقل ۲پرستار است که این آمار در کشور ما به ازای هر ۸ تخت بیمارستانی، یک پرستار است. این کمبود نیروی پرستاری باعث می‌شود پرستاران به ۱۵۰ ساعت اضافه کاری اجباری در ماه تن بدهند و این وضعیت برای ارائه حداقل خدمات است. او به خطراتی که جامعه پزشکی را در هنگام ارائه خدمت تهدید می‌کند، اشاره کرد و افزود: کادر پزشکی در معرض انواع بیماری‌های واگیر قرار دارد. بروز مشکلات گوارشی به دلیل استرس کاری، ابتلا به بیماری‌های اسکلتی عضلانی، به دلیل سر پا ایستادن‌ها، ابتلا به افسردگی و...، از جمله خطرات حرفه پزشکی است.

او همچنین در رابطه با شاخص امید به زندگی در کشور گفت: سن امید به زندگی از سال ۱۳۳۹ برای یک دوره ۲۰ ساله از ۴۹.۵ سال به ۵۱.۵ سال رسیده و در یک دوره ۱۰ ساله تا سال ۱۳۷۰، به ۶۱.۵ سال رسیده است. رئیس بیست‌ویکمین کنگره بین‌المللی تازه‌های قلب و عروق، ادامه داد: بر اساس گزارش بانک جهانی که میانگین عمر ایرانی‌ها را در سال ۱۳۵۵، ۵۵سال اعلام کرده بود، این عدد در سال ۱۳۹۶ به ۷۶سال رسیده است. قاسمی به کاهش آمار مرگ و میر ناشی از بیماری‌های غیر واگیر در کشور اشاره کرد و افزود: در سال‌های ۴۹ تا ۵۴ به ازای هر ۱۰۰۰ تولد شاهد ۱۳ مرگ و میر بودیم که این آمار در سال‌های ۸۴ تا ۸۹ به ۵مرگ و میر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر کاهش یافت.